

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال نهم، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۰/۲۷

صفحات: ۱۳۱-۱۶۸

## فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه

دکتر مهناز گودرزی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان، گروه روابط بین‌الملل، اصفهان، ایران

طالب ابراهیمی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

### چکیده

هر دو کشور ایران و ترکیه از موقعیت استراتژیک در منطقه برخوردارند که این موقعیت مرهون جغرافیایی است که در آن قرار دارند. دو کشور به لحاظ عامل جغرافیایی، همسایگی، موقعیت استراتژیکی خاص در منطقه، ارتباطات اقتصادی و مشترکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی، قومی، دارای ظرفیت‌ها و زمینه‌های مناسب در برقراری مناسبات ویژه می‌باشند. با این وجود، برخی حوزه‌ها مانند آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین مساله اسلام‌گرایی، به دلیل تضاد منافع، باعث ایجاد چالش و بقیه حوزه‌ها مانند خاورمیانه، انرژی، روابط اقتصادی و مساله کردها) به دلیل منافع مشترک، باعث ایجاد فرصت‌هایی در روابط دو کشور شده است. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تلاش دارد به بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها در روابط دو کشور بپردازد.

### کلید واژگان

سیاست خارجی، ژئوپلیتیک، ایران، ترکیه، حزب عدالت و توسعه، واقع‌گرایی تدافعی.

## مقدمه

متغیر همسایگی در روابط میان کشورها اهمیت زیادی دارد و از ابعاد مختلفی می‌توان به این موضوع پرداخت. عامل همسایگی در روابط میان دولت‌ها به قدری موثر است که در بعضی موارد سیاست خارجی دولت‌های همسایه را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند. همسایگی ایران و ترکیه نیز تاثیر قاطعی بر کیفیت روابط میان آنها دارد. ایران و ترکیه ۵۰۰ کیلومتر با هم مرز مشترک دارند. بخش دیگری از تاثیر عامل جغرافیا و همجواری دو کشور بر روابط دو جانبه مربوط به تسهیل ارتباطات بازرگانی و اقتصادی میان آنهاست.

مجموعه این ظرفیت‌ها و سایر زمینه‌های همکاری میان ایران و ترکیه به واسطه همجواری و همسایگی دو کشور تسهیل و تامین شده است. بدین ترتیب نقش عامل جغرافیا در صورت عدم وجود عوامل تنش‌زا در روابط دو کشور به صورت بالقوه می‌تواند نقشی مثبت و موثر ارزیابی شود. هر دو کشور ایران و ترکیه از موقعیت خاص استراتژیک در منطقه برخوردارند که این موقعیت مرهون جغرافیایی است که در آن قرار دارند. ایران پل ارتباطی ترکیه به شرق و ترکیه پل ارتباطی ایران به غرب است. ایران به عنوان کشوری با تمدن و فرهنگ باستانی، موقعیت جغرافیایی-اقتصادی راهبردی و نیروی انسانی عظیم و ترکیه به عنوان یک کشور مهم اوراسیا با اقتصاد روبه‌رشد و در حال ادغام در اقتصاد جهانی و در روند رو به عضویت در اتحادیه اروپا، دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی زیاد هستند که تعامل، نزدیکی و پیوند به اوضاع سیاسی و اقتصادی منطقه داده و تاثیر پذیری منطقه از نیروهای فرا منطقه‌ای را کاهش دهد، یا این تاثیر پذیری را در راستای روند منافع و همکاری‌های دو جانبه هدایت کند. با توجه به روندهای موجود در روابط ایران و ترکیه به دلیل تضاد و تعامل منافع دو کشور، این خود فرصت‌ها و چالش‌هایی را در روابط دو کشور به وجود آورده است.

هدف این پژوهش تبیین فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه در دوره زمانی (۲۰۱۲-۲۰۰۲) می‌باشد، و این سوال مطرح است: که رابطه ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲) چه چالش‌ها و فرصت‌هایی برای دو کشور به وجود آورده است؟ در پاسخ به این سوال، این فرضیه مطرح است که دو کشور تنها کشورهای غیر عرب در منطقه خاورمیانه بوده و به لحاظ بنیادهای رفتاری اعم از موقعیت ژئوپلیتیکی، وضعیت فرهنگی و قومی با یکدیگر

قربان زیادی دارند. در این چارچوب می‌توان گفت که برخی مولفه‌ها تحت عنوان فرصت‌ها و چالش‌ها در افزایش یا کاهش رابطه دوکشور ایران و ترکیه تاثیرگذار بوده است. روش اصلی این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و تمام یافته‌های آن محصول منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. در این تحقیق سعی شده است، ضمن بررسی فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۲ از دید سیاست خارجی مورد تحلیل قرار بگیرد.

### ۱. مبانی نظری: واقع‌گرایی تدافعی

بررسی اتحادها همواره از مهم‌ترین بحث مفهومی دانش روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. در این میان، کانون بحث دو جریان اصلی روابط بین‌الملل (واقع‌گرایی و لیبرالیسم) هستند که قرائت متفاوتی از مفهوم اتحاد دارند. برای مثال، «رابت کوهن»<sup>۱</sup> معتقد است که «مفید بودن کارکردی نهادها و اتحادها» باعث کاهش «تقلب»<sup>۲</sup> و بی‌اعتمادی دولت‌ها و همچنین کاهش هزینه مبادلات می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ۸-۶۷) و در مقابل، نواقح‌گرایانی چون «کنت والتز» و «استفن کراسنر»<sup>۳</sup> معتقد هستند که نهادها، رژیم‌های بین‌المللی و اتحادها ابزار دست دولت‌ها برای به حداکثر رساندن قدرت خود هستند. به دنبال این منازعات تمامی شاخه‌هایی که به شکلی از واقع‌گرایی منشعب شده‌اند، دیدگاه کم و بیش مشترکی راجع به این اصل دارند. واقع‌گرایی تدافعی یکی از این زیرشاخه‌ها است که با ارائه مفروضاتی درباره اتحاد به تبیین این مفهوم می‌پردازد. در این میان استفان والت<sup>۴</sup> یکی از شناخته‌ترین کارشناسان وابسته به این شاخه است که مفهوم اتحاد را با توجه به هستی‌شناسی واقع‌گرایی تدافعی تبیین می‌کند. از دید واقع‌گرایان تدافعی دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران عرصه بین‌المللی هستند؛ آناژشی ویژگی بسیار مهم نظام بین‌الملل است و تمامی دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت و امنیت خود هستند. همچنین، به دلیل ماهیت آناژشیک سیستم بین‌المللی چون قدرت نهایی یا اقتدار

<sup>۱</sup> - Robert Cohen

<sup>۲</sup> - Cheating

<sup>۳</sup> - Estefan Krasner

<sup>۴</sup> -Estefan Walt

مرکزی وجود ندارد، دولت‌ها خود مجبور هستند امنیت سیاسی و سرزمینی خود را در برابر دولت‌های دیگر تضمین کنند. بنابراین رفتار دولت‌ها و تعاملات امنیتی آنها براساس ماهیت ساختار تعیین می‌شود. (Weight, 2011, 24)

والث در کتاب ریشه‌های اتحاد که در سال ۱۹۸۷ به چاپ رسانده است در جست‌وجوی یافتن پاسخ این سوالات است که چه چیزی باعث می‌شود تا دولت‌ها از سیاست خارجی یا همگرایی سرزمینی یکدیگر حمایت کنند؟ به عبارتی دیگر چگونه دولت‌ها دوستان خود را انتخاب می‌کنند؟ (Walt, 1987, 110-116) پاسخ وی به این سوال و شاخص‌هایی که والث مطرح می‌کند بخشی از چارچوب نظری پژوهش حاضر برای تبیین فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه است. بر این اساس، استفان والث با تأکید بر این که سیاست خارجی در راستای افزایش قدرت و امنیت طراحی می‌شود، معتقد است که دولت‌ها همواره امنیت جو بوده و در مورد نیات یکدیگر دچار سوءتفاهم می‌شوند. در این شرایط است که معضل امنیت<sup>۱</sup> برای دولت‌ها به وجود می‌آید که باعث می‌شود تلاش برای افزایش امنیت منجر به کاهش امنیت دیگران شود. با توجه به این مفروضه‌ها است که والث با نقد اصل موازنه قوا و با مطرح کردن نظریه موازنه تهدید<sup>۲</sup> در عمل توانسته است مباحث واقع‌گرایی را در حوزه امنیتی غنی‌تر کند. (Walt, 1985)

درواقع از منظر واقع‌گرایی تدافعی، دولت‌ها خواهان دستیابی به امنیت به بهای کاهش امنیت دیگران نیستند (برزگر، ۱۳۸۸، ۱۲۶). از دید والث دولت‌ها در برابر دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشند که به معنای اتحاد آنها در مقابل دولتی است که آنها را تهدید می‌کند اما در مواردی نیز دولت‌ها خصوصاً آنهایی که ضعیف‌تر هستند و یا در طول جنگ تصور می‌کنند که یک طرف به پیروزی نزدیک‌تر می‌شود، احتمال آن که سیاست همراهی<sup>۳</sup> با آن در پیش گیرند، بیشتر می‌شود. (Walt, 2000) به عبارت دیگر، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل نگرانی‌هایی

<sup>۱</sup> - Security Dilemma

<sup>۲</sup> - Balance of Threat

<sup>۳</sup> - Bandwagoning

را در بین کشورها درباره جایگاه آنها در این نظام و در قبال سایر دولت‌ها ایجاد و آنها را به رفتارهای منطقی مبتنی بر هزینه-فایده سوق می‌دهد بنابراین در این فضا برای رفع تهدید مبادرت به انتخابی راهبردی میان اقدام به «موازنه» یا «دنباله‌روی» می‌کنند. (Birthe, Toft and Wivel, 2009, 30)

والث معتقد است گزند استراتژی‌های<sup>۱</sup> هر دولتی به انتخاب متحدان آنها منجر می‌شود که اگر مبنای درک آن اشتباه باشد منجر به شکست‌های بزرگی می‌شود. در ساده‌ترین شکل گزند استراتژی، نظریه ای است که توضیح می‌دهد چگونه دولتی می‌تواند امنیت خودش را تامین کند. امکانات یک دولت و چالش‌هایی که ممکن است از سوی دیگران با آنها روبه‌رو شود و نیز فرضیاتی که دولتمردان درباره ریشه اتحادها دارند در این تصمیم‌گیری‌ها و نظریه‌ها نقش دارد. موفقیت این استراتژی‌ها در گرو میزان صحت فرضیات آنها است.

از نظر والث نظریه او تنها می‌تواند بگوید که دولت‌ها چه موقع ممکن است در پی اتحاد با دیگران باشند یا این که نشان دهد وقتی دولتی که امنیت آن به خطر افتاده است یا تهدید شده ممکن است تلاش کند که قدرت نسبی خود را از راه افزایش سیستم‌های دفاعی خود در حالی که در جست‌وجوی اتحاد با دولتی دیگر است، افزایش دهد. بر این اساس تعریفی که والث از اتحاد ارائه می‌دهد عبارت است از: «یک توافق رسمی یا غیر رسمی برای همکاری امنیتی بین دو یا چند دولت دارای حاکمیت.» (Walt, 1985: 10)

رابرت جرویس<sup>۲</sup> یکی دیگر از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی بر بحث معمای امنیت بسیار تاکید دارند. همان گونه که عنوان شد منظور از معمای امنیت شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود که از آن به امنیت نسبی تعبیر می‌شود. به نظر واقع‌گرایان تدافعی توسعه‌طلبی همیشه به امنیت منجر نمی‌شود. در واقع مساله این است که امنیت مطلق ممکن نیست جز با تبدیل شدن به یک هژمون جهانی و چون احتمال نیل به چنین جایگاهی اندک است و تاسیس دولت جهانی به معنای پایان سیاست بین‌الملل خواهد بود، دولت‌ها همیشه امنیت

<sup>1</sup> - Grand Strategies

<sup>2</sup> - Robert Groves

جو خواهند بود و با معمای امنیتی روبه‌رو می‌شوند. (Jervis, 2008, 13) نبود یک حاکمیت بین‌المللی نه تنها شرایط وقوع جنگ‌ها را فراهم می‌کند بلکه زمینه را برای دولت‌هایی نیز که با توجه به حفظ وضع موجود درصدد دستیابی به اهداف خود هستند به‌ویژه با شناسایی منافع مشترک دچار مشکل می‌کند. هیچ نهاد یا قانون بین‌المللی نیز وجود ندارد که بتواند دولت‌ها را مجبور به همکاری کند و یا در صورت وقوع فاجعه‌ای آنها را توییح کند. (Jervis B, 2008: 59) در بدترین شرایط نیز دولت‌ها دوست دارند تا وضعیت موجود را منجمد کنند. درست اینجا است که شکار گوزن روسو مطرح می‌شود. اگر همکاری باشد همه منتفع می‌شوند اما اگر یک نفر این تلاش را ترک کند هیچ کس به آن چه که می‌خواهد نمی‌رسد. بنابراین چهار وضعیت قابل شناسایی است:

(الف) همکاری و شکار گوزن که در این صورت آنالوگ بین‌المللی همکاری و خلع تسلیحات است.  
(ب) شکار گوزن زمانی بقیه در سر پست‌های خود هستند؛ داشتن سطح بالایی از تجهیزات نظامی در حالی که دیگران غیرمجهز هستند.

(پ) همه به دنبال شکار گوزن باشند؛ رقابت تسلیحاتی و احتمال بالای وقوع جنگ.  
(ت) ماندن در وضعیت پیشین در حالی که دیگران به دنبال شکار گوزن هستند؛ غیرمسلح بودن در شرایطی که دیگران مسلح هستند. (Jervis, 2008, 249)

اگر گزینه اول مورد توافق همه دولت‌ها در مورد حفظ وضع موجود باشد مسأله‌ای که پیش می‌آید این است که در آینده این وضعیت ناخوشایند خواهد بود. از سوی دیگر هر چند سیاستگذاران متعهد به این وضعیت باشند، نمی‌توانند دیگران یا جانشینان خود را به حفظ و تداوم آن مجبور کنند چرا که ذهن‌ها تغییر می‌کنند، رهبران جدید بر سر کار می‌آیند، ارزش‌ها متحول می‌شوند و فرصت‌ها و تهدیدهای جدید مطرح می‌شوند. در مورد دوم دولت‌ها در راستای حفظ منافع خود می‌کوشند منابع و یا سرزمین‌هایی خارج از سرزمین خود را کنترل کنند و مطمئن باشند از این که در زمان جنگ نیز نیازهای آنها برطرف خواهد شد. زمانی که دو دولت پیوندهای نزدیکی بین سیاست‌های داخلی یا خارجی خود ببینند در جست‌وجوی امنیت بیشتر می‌کوشند تا یک حوزه حائل<sup>۱</sup> ایدئولوژیک ایجاد کنند. اما نگرانی از

<sup>۱</sup> - Buffer

حمله مستقیم همچنان وجود دارد. از این رو در تلاش برای حفاظت از خود، دولت‌ها می‌کوشند تا حداقل در سرزمین‌های کنار مرزهای خود کنترل داشته باشند یا حوزه بی‌طرفی ایجاد کنند این اقدام باعث خواهد شد تا دیگران احساس ناامنی کنند. اما اگر این قبیل اقدامات در مناطقی باشد که تهی از قدرت‌های بزرگ است، گرایش به توسعه با تلاش برای حفظ آنچه به دست آمده است همراه خواهد شد. اما مساله سوم در شکار آهو در صحنه سیاست بین‌الملل یک معمای امنیت نیست: دولت‌ها با ابزار بسیاری می‌کوشند تا امنیت خود را افزایش دهند و از امنیت دیگران بکاهند. در حالی که راه‌های دیگری نیز وجود دارد برای این که از دارایی و امنیت یک نفر محافظت کرد بدون آن که دیگران را به خطر انداخت. (Jervis A, 2008: 250-251)

به طور کلی، واقع‌گرایی تدافعی معتقد است که ساختار بین‌الملل عامل گرایش دولت‌ها به سمت و سوی رقابت نیست، بلکه دولت‌ها تحت تاثیر برخی شرایط می‌توانند با همکاری و تعامل بهترین وضعیت ممکن امنیتی را ایجاد و تثبیت کنند. در واقع، وضعیت دوگانه امنیت، مولفه اصلی مباحث واقع‌گرایی تدافعی است، به این معنا که سیاست‌های رقابتی که یک دولت برای افزایش امنیت خود اتخاذ می‌کند در حقیقت موجب کاهش امنیت رقیب خود می‌شود، کاهش امنیت رقیب نیز یک خطر بالقوه محسوب می‌شود. زیرا دولت رقیب ممکن است سیاست‌هایی را به خاطر این نوع احساس نبود امنیت در پیش بگیرد که در نهایت موجب کاهش امنیت خود آن دولت شود. در نتیجه، تحت شرایطی خاص بهترین گزینه پیش روی یک دولت همکاری و یا خویش‌تنداری است و نه رقابت. (Glaser, 2010)

## ۲. تاریخچه روابط ایران و ترکیه

در طول تاریخ همواره بین دولت‌های فلات ایران و آناتولی مخاصمه و تهدید جریان داشته است. لذا توازن قوا و خویش‌تنداری و عدم تمسک به عکس‌العمل‌های حاد و نظامی مورد توجه دو کشور است، زیرا جنگ‌های دیرپای دوران‌ها، عملاً دستاوردی جز آسیب و خسارت برای طرفین نداشته است.

در تاریخ سده‌های اخیر، دولت‌های این دو کشور، دو الگوی اصلی جهان اسلام بوده‌اند. امپراتوری عثمانی خود را خلف صالح خلافت و دولت‌های ایران از صفویه به بعد، به نوعی خود را وارث تشیع و

امامت می دانستند. این امر ضمن ایجاد برخی درگیری ها، مبنای نوعی رقابت دینی و سیاسی در دو کشور بوده است (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۶ - ۲۰۵). روابط دو کشور در غالب دو نظام سیاسی با ثبات از زمان «صفویه» آغاز گردید. ده ها نامه، معاهده و قرارداد فی ما بین دو امپراتوری ایران و صفوی حکایت از گستردگی روابط میان دو همسایه و میزان توجه هر یک به دیگری است. پس از سقوط امپراتوری عثمانی و تشکیل جمهوری ترکیه روابط این دو کشور در عصر پهلوی بسیار صمیمانه بود. رضا شاه که سفر وی به ترکیه تنها سفر رسمی وی به خارج از کشور بود (۱۳۱۲ ه ش / ۱۹۳۴ م)، مجذوب شخصیت آتاتورک شد و به تقلید از اقدامات وی در ایران پرداخت. در واقع رضاشاه را می توان برگردانی ناموفق از آتاتورک در ایران نامید. (ابوالقاسمی و اردوش، ۱۳۷۸: ۸۸ - ۸۳)

در دوران ۳۷ ساله محمد رضا شاه پهلوی نیز قرار داشتن دو کشور در منطقه استراتژیک خاورمیانه از یک سو و روابط راهبردی آنان با غرب از سوی دیگر موجب شد تا دو کشور در هم سویی با سیاست های غرب به منظور جلوگیری از نفوذ و گسترش کمونیسم در دسته بندی های منطقه ای در یک جبهه قرار گیرند. (اسکندریان و سیمیریان، ۱۳۷۴: ۶۷)

روابط دو کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره دارای فرازو نشیب بوده است. تاریخ روابط دو کشور در طول دهه های گذشته حاکی از آن است که ایران و ترکیه دارای کم ترین تنش بوده اند و اساساً بحران درازمدت میان این دو به وقوع نپیوسته است. هر چند که پس از وقوع انقلاب اسلامی مهم ترین عامل جدایی دو کشور جدایی بینش ها بوده است و متأسفانه رسانه های این کشور گاه و بیگاه به ناگهان موجی از تبلیغات خصمانه را علیه تهران به راه می اندازند. (لطفی رضایی، ۱۳۷۹: ۳)

در حالی که رویکرد جدید و حسن نیت در روابط ایران و ترکیه از سال ۲۰۰۰ آغاز شده بود اما بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲) در ترکیه سه مولفه اصلی این روابط را تحت تاثیر قرار داد. نخست سیاست داخلی ترکیه تغییرات جدیدی را تجربه کرد. نخبگان جدید حاکم، نفوذ دیوان سالاری نظامی را به حداقل ممکن از زمان تاسیس این جمهوری رساندند که به معنای کمتر شدن تفاوت های ایدئولوژیکی بین ایران و ترکیه بود. احمد علی بیراند<sup>۱</sup> از این روند به عنوان کودتای نرم یاد کرد. کمالیست های حاکم پیشین رویکرد امنیت محور نسبت به امور جهان داشتند و از مداخله ترکیه در

<sup>۱</sup> - Ahmed Ali Byrand



امور مربوط به جهان اسلام به ویژه ایران دوری می‌جستند. از این رو ایران نیز از بی‌اعتنایی که به نخبگان حاکم پیشین نشان داده شده بود خشنود بود.

دوم، محیط راهبردی روابط خارجی ترکیه در این دهه با تهاجم آمریکا به عراق وارد دور جدیدی شد. عدم حمایت ترکیه از تهاجم نظامی آمریکا به عراق با وجود چالش جدی که برای حزب عدالت و توسعه در داخل به وجود آورده بود با رای ۱ مارس ۲۰۰۳ مجلس، تصویر ترکیه به عنوان متحد آمریکا را در نظر ایران تعدیل کرد. این نگرش جدید ترکیه با مرور خاطرات جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ که در انگیزه‌های دوستی آمریکا دچار شبهه شده بود همخوانی بیشتری داشت. (Kirisci, 2006) در حالی که برخی منتقدان این رای مجلس را دلیلی بر شکست مدیریتی اردوغان می‌دانستند برخی دیگر از آغاز دوره جدیدی یاد می‌کردند که استقلال بیشتری را برای ترکیه در عرصه سیاست خارجی حتی در تضاد با ترجیحات آمریکا فراهم می‌کرد که این رویداد سیاسی روابط ترکیه - ایران را به سه دلیل بهبود بخشید.

نخست به این دلیل که ایران از حضور نیروهای ارتش آمریکا در آن سوی مرزهای خود احساس ناامنی و تهدید می‌کرد. دوم، اتحاد ترکیه و آمریکا با وضعیت وخیمی روبه‌رو شد که به دلیل اهداف متفاوتی بود که دو کشور در عراق بعد از جنگ جست‌وجو می‌کردند. شکاف عمیق آنکارا - واشنگتن برای ترکیه امکان تعقیب راهبردهای دیگری را به شکل مستقل تری ممکن می‌کرد. دلیل سوم، تهدید مشترکی بود که ایران و ترکیه متعاقب ایجاد کردستان مستقل در عراق شمالی نسبت به مرزهای ترسیم شده خود و نسبت به ناآرامی‌های احتمالی داخلی حس می‌کردند. امری که با سقوط صدام حسین تا حدی محقق شد و با افزایش ناامنی و تهدید ترکیه از سوی پ. ک. ک و ایران از سوی پژاک زمینه‌های همکاری بیشتر دو کشور را فراهم کرد از سوی دیگر، با کاسته شدن از تضاد ایران و غرب در زمینه برنامه هسته‌ای ایران، ترکیه کوشید تا با جلب نظر ایران نقش میانجی را در این مورد ایفا کند. (Omer Goksal, 2005, 42) تلاش‌های ترکیه در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۹ و فوریه ۲۰۱۰ برای جلوگیری از اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران و انتخاب گزینه نظامی با برگزاری جلسات رسمی دیپلماتیک و مذاکره با سران ایران، آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، همکاری ترکیه و برزیل با ایران در زمینه غنی‌سازی انرژی در مارس ۲۰۱۰، اعلام سال ۲۰۰۹ به عنوان سال فرهنگی ایران -

ترکیه از سوی دو کشور و برگزاری کنفرانس های فرهنگی از ژانویه ۲۰۰۹ همگی در راستای بینش سیاست خارجی جدید ترکیه قابل تفسیر است.

بررسی روابط تاریخی ایران و ترکیه در طول تقریباً یک قرن ما را به این نتیجه می رساند که ترکیه به عنوان کشوری که خود را در جهان هابزی تعریف کرده است و ایران را به عنوان کشوری تجدیدنظرطلب می داند دوره ای توأم با بی اعتمادی را پشت سر گذاشته اند. این بینش های راهبردی در رابطه با جهان خارج باعث شده است تا هیچ یک از دو کشور دغدغه های امنیتی را فراموش نکرده و در هر موردی حتی با امنیتی کردن مسائل حاشیه ای با گریز از رو به رو مستقیم مدام در حالت هشدار به سر برند. نزدیکی جغرافیایی نیز این تفکر عدم امنیت را به دلیل امکان حمله مستقیم و نظامی دامن زده است. به علاوه که هر دو کشور در تاریخ خود حملات نظامی را دارند. اما آنچه بدیهی است ورود روابط ترکیه و ایران به دوره جدیدی است که کمتر رد پای بی اعتمادی نهادینه شده سابق را در آن می توان دید. (Aras and Polat Kaya, 2008: 499-502)

با این وجود سابقه یاد شده باعث شده است تا همواره دو کشور در روابط خود جانب احتیاط را کنار نگذارند. هر چند همیشه مولفه های خارجی ای بودند که روابط دو کشور را در حالی که ماهیت روابط آنها وابستگی متقابل پیچیده است تحت تاثیر قرار دهند. این بی اعتمادی نهادینه شده با وجود تغییرات سیاست خارجی ترکیه سیاست اعمالی ترکیه را تحت تاثیر قرار داده است. عرصه اقتصاد، انرژی و تجارت از مهم ترین عوامل همسویی منافع ایران و ترکیه در کنار مسائل سیاسی و امنیتی است یا به بیان بهتر بازخوانی روند همکاری های ترکیه و ایران در طول سه دهه اخیر نشان دهنده مصلحت گرایی سیاسی و منفعت طلبی اقتصادی بوده است.

اگر چه بعد از نشست داووس ۲۰۰۸، روابط ایران و ترکیه به شکل بی سابقه ای گسترش یافت و البته رویکرد دولت مردان ایران به مناسبات دو طرف توأم با نوعی خوشبینی افزون از حد بود. حال پس از گذشت بیش از سه سال از نشست داووس، وقوع بهار عربی، مساله هسته ای ایران، استقرار سپر دفاعی موشکی ناتو در ترکیه، مساله بحرین، وقایع عراق و به ویژه تحولات سوریه شاهد رویکرد واقع بینانه متکی بر منافع ملی ترکیه در مواجهه با مسائل مذکور و ارتباط با ایران هستیم. در کنار مسائل مطرح در روابط دوجانبه و همچنین مسائل خاورمیانه یکی از حوزه های مورد بحث در بین دو کشور،

آسیای مرکزی و قفقاز است. همان گونه که عنوان شد در این دوره ترکیه در جست‌وجوی ایفای نقش یک بازیگر فعال بین‌المللی سیاست خارجی جدیدی را اتخاذ کرد.

با این رویکرد جدید اهمیت اتحاد و همکاری با شرق نیز به همان میزان اتحاد با غرب مورد توجه سیاستمداران و دولتمردان ترکیه قرار گرفت. از این رو حکومت جدید ترکیه در تلاش برای بهبود روابط خود با ایران، سوریه، سودان، عربستان سعودی، قطر و روسیه برآمد و توانست نفوذ خود را در مناطق همجوار به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز گسترش دهد. در این میان ترکیه رویکرد قدرت نرم را که با ویژگی‌هایی نظیر رشد تجارت و پیوندهای سرمایه‌گذاری و حل منازعات از راه دیپلماسی، مذاکره و همگرایی آشکار با جامعه بین‌المللی توصیف می‌شد را در پیش گرفت. (Aydin and Acikmese, 2007: 274) از جمله مهم‌ترین موضوع‌های مطرح برای ترکیه در این دو حوزه بحث انرژی و انتقال آن است. تلاش ترکیه برای ایفای نقش کانون انرژی اوراسیا به اروپا و به عبارتی تولیدکنندگی مجازی انرژی است. این هدف دارای ابعاد سیاسی و اقتصادی است. ترکیه به خوبی می‌داند که ظرفیت لازم برای ذخیره و صدور دوباره گاز به اروپا را ندارد از این رو می‌کوشد تا با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی این امر را برای خود تسهیل کند. از سوی دیگر این امر توان چانه‌زنی بیشتری را در امور مختلف دیگر نصیب ترکیه می‌کند. (Bilgin, 2010: 126-128)

در دو سال اخیر، بهار عربی روابط ایران و ترکیه را به طور خاص تحت تاثیر قرار داد و باعث تغییرات اساسی در بینش و موضع‌گیری‌های کشورهای منطقه شد. (Ma'oz, 2012: 13-14) دو کشوری که تا پیش از این در دوران طلایی روابط دیپلماتیک و سیاسی خود به سر می‌بردند با کشیده شدن دامن موج بهار عربی به سوریه با تنش‌ها و نگرانی‌های زیادی روبه‌رو شدند. هر چند بهار عربی در آسیای مرکزی و قفقاز نقش مهمی نداشت و موضوع تنش ایران و ترکیه نبوده است اما بحران سوریه به طور خاص باعث شد که ایران و ترکیه در جبهه‌های مختلفی قرار بگیرند. بعد از این که زمزمه‌های بهار عربی با اعتراضاتی در باکو خود را به این منطقه رساند مقامات رسمی جمهوری آذربایجان ایران را متهم به دخالت در امور داخلی این کشور برای افزایش حوزه نفوذ خود کردند. هر چند این مقامات هیچ مدرکی برای استناد به این امر و نشان دادن حمایت ایران از تظاهرکنندگان ندارند اما قویاً ایران را به این مساله متهم می‌کنند. (Vira and Erin Fitzgerald, 2011, 22)

واقعیت این است که دولت های آسیای مرکزی و قفقاز به بهار عربی به شکل تدافعی در کشورهای خود واکنش نشان دادند. تشکیل نیروهای ویژه در روسیه، اعمال محدودیت های جدید بر برق و رسانه ها و افزایش ناگهانی دستمزدها در ازبکستان و تاجیکستان از جمله این اقدامات بود. دولت های منطقه به دلیل شرایطی که پیشتر برشمردیم غیر از نگرانی از متزلزل شدن اقتدارشان از مداخله داخلی نظیر آنچه در لیبی، تونس یا مصر رخ داد می ترسند. از این رو کنترل امور داخلی را بیش از پیش در دستور کار خود قرار داده اند و ترجیح می دهند حتی با قطع اینترنت مردم خود را از آنچه در دنیای اعراب می گذرد بی خبر نگاه دارند. با وجود تدابیری که دولت های اوراسیا در پیش گرفته اند و نیز مواردی از ناآرامی در ترکمنستان و جمهوری آذربایجان واقعیت این است که به نظر نمی رسد هیچ یک از کشورهای منطقه ناآرامی از جنس بهار عربی را تجربه کنند به ویژه که وضعیت مصر و تونس پس از پیروزی انقلابشان نشان می دهد که نه تنها حرکت های ناگهانی پر هزینه و غیرقابل پیش بینی هستند بلکه نیل به آنچه هدف و مطلوب بوده در کوتاه مدت هرگز دست یافتنی نخواهد بود. همین وضعیت تدافعی و پیش گیرانه کشورهای منطقه نشان می دهد که حتی در صورت وقوع تحولاتی مهم در این منطقه کشورها اجازه شیفت مسائل به سطح منطقه ای یا بین المللی را نخواهند داد. این امر بیش از هر چیز باعث حفظ وضع موجود در روابط کشورهایی چون ایران و ترکیه خواهد شد. از این رو مورد بحث در شرایط کنونی نیست.

### ۳. نقش آفرینی ایران و ترکیه در مسایل سیاسی

روابط ایران و ترکیه طی چند سال گذشته از ثبات نسبی مناسبی بر خودار بوده است، ضمن آن که برخی سوء تفاهات میان دو کشور مرتفع شده است و طرفین توجه ویژه ای به اعتماد سازی میزول داشته اند. در حال حاضر، زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای گسترش همکاری فیما بین بیش از گذشته به وجود آمده است. محور هایی که در راهبرد سیاست خارجی دولت اردوغان نسبت به ایران وجود دارد:

همکاری با کشورهای اسلامی، اهمیت به مقوله انرژی و توجه بیشتر به اوراسیا، که می تواند زمینه ساز گسترش روابط دو کشور شود. تحولات منطقه به ویژه آینده عراق و همکاری های امنیتی برای

تامین امنیت مرزها نیز یکی دیگر از عرصه‌های همکاری تلقی می‌شود. (نقدی، ۱۳۸۷: ۳۷)

بسیاری از توافقاتی که قبلاً میان ایران و ترکیه صورت گرفته بود، در زمان اردوغان به اجراء گذاشته شد. به طور کلی، از سال ۲۰۰۱ به بعد همکاری دو کشور در عرصه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی گسترش یافت و همکاری دراز مدت از قبیل برگزاری منظم کمیسیون‌های امنیتی مشترک برای تامین امنیت مرزها و مبارزه با تروریسم، احداث و افتتاح خط لوله انتقال گاز طبیعی ایران به ترکیه و گسترش مناسبات فرهنگی و هنری پایه گذاری شد. (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۷۰)

ایران و ترکیه، هر دو به دلایل متفاوتی، مخالفت نفوذ اسرائیل در عراق هستند. اسرائیل به رغم گسترش همکاری‌های خود با ترکیه، با سیاست‌های آنکارا در مورد کرد‌ها همراه نشده است. ترکیه به شدت نگران حمایت اسرائیل از خود مختاری کرد‌ها و حضور این کشور در شمال عراق است. حساسیت ایران و ترکیه درباره هرگونه حرکت استقلال طلبانه در کردستان عراق، استراتژیک و عمیق است. به همین دلیل ترکیه و ایران به رغم اختلاف دیدگاهی که درباره برخی مسائل منطقه ای یا در شیوه حکومت داری دارند، اما در زمینه مسائل کردستان اجماع نظر دارند (مهری پور، ۱۳۸۶: ۱۸).

حال که در ترکیه دولت اردوغان تلاش می‌کند سیاست خارجی مستقلی داشته باشد، فرصت مناسبی خواهد بود که پیوند دو کشور ایران و ترکیه تقویت شود. همکاری در زمینه انرژی و انتقال آن به اروپا و رایزنی در خصوص تحولات خاورمیانه، افغانستان و عراق نیز می‌تواند در راستای منافع منطقه ای دو کشور باشد.

### الف. نقش آفرینی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز

نظر به مجاورت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران با حوزه جنوبی شوروی سابق می‌توان ادعانمود که ظهور آسیای مرکزی و قفقاز (متشکل از هشت کشور قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان) به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک متمایز و مهم، در عرصه سیاست جهانی تاثیرات ژرف و تعیین کننده ای برای محیط سیاسی و مناسبات منطقه ای و جهانی ایران به ارمغان آورده است. فروپاشی شوروی و تکوین حوزه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز، علاوه بر ایجاد فرصت‌های فراوان در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ایران با

چالش های عمده ای نیز همراه بوده است. تلاش گسترده قدرت های مختلف منطقه ای و بین المللی به منظور کسب نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز یکی از پیامدهای منفی است که از نقطه نظر منافع ملی و ملاحظات امنیتی ایران تحولی مطلوب و خوشایند تلقی نمی شود. (واعظی، ۱۳۸۵: ۳۰۴-۳۰۱)

موقعیت جغرافیایی دولت های نو بنیاد آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و حضور جدی و سایه به سایه ایران و ترکیه بلافاصله پس از اعلام موجودیت کشور های مذکور، از سوی دیگر سبب شد تا تصویری از یک رویارویی معارضا جویانه میان اسلام گرایی و سکولاریسم به کانون اصلی تحلیل های مربوط به الگوهای بدیل پس از شوروی در منطقه مبدل گردد. در همین رابطه می توان به مدل بازی بزرگ اشاره نمود که در مراحل تولد جمهوری های نو خاسته آسیای مرکزی و قفقاز از اقبال فراوانی نزد بسیاری از محققین برخوردار گردید. (نوروزی، ۱۳۷۸: ۱۵۳)

به نظر می رسد هنوز تئوری های «بازی بزرگ» و نظریه «هارتلند»<sup>۱</sup> «مکیندر»<sup>۲</sup> «ریملند»<sup>۳</sup> «اسپایکمن»<sup>۴</sup> و «ترومن»<sup>۵</sup> متعاقب یکدیگر و مکمل گذشته تاریخی خود در حال اجرا بوده و از قوت قبلی برخوردار و امروزه نیز کاربردی هستند. با نگاهی به وقایع و رویدادهایی که در این راستا در حال تحقق هستند به خوبی می توان دریافت که نظمی از پیش تعیین شده اما با درایت و دوراندیشی و تانی در حال اجراست. در این تعبیر و روایت تازه ای مدل (بازی بزرگ) رقابت میان بازیگران به صورت فرایندی از رویارویی الگوها ترسیم می شود که طی آن هر یک از طرفین بازی می کوشند تا به ترویج الگوی خود پرداخته و سایر مدل ها را رد کنند. این بار این ایدئولوژی ها هستند و نه امپراطوری ها که وارد صحنه رقابت شده اند، بر این مبنا روسیه، ترکیه، ایران و آمریکا، بازیگران اصلی این صحنه قلمداد می شوند.

اصولا همسایگی دو کشور ایران و ترکیه و وقوع آنها در یک منطقه جغرافیایی به علاوه جایگاه

<sup>1</sup> - Hartland

<sup>2</sup> - M Kinder

<sup>3</sup> - Rymld

<sup>4</sup> - Aspaykmm

<sup>5</sup> - Truman

قدرتمند دو کشور در منطقه عرصه رقابت بر سر قدرت و رسیدن به جایگاه برتر منطقه ای را هموار نموده است. اخیراً دو کشور آشکارا نقش فعالی را در منطقه برای خود تعریف کرده اند. مخصوصاً ترکیه که با در نظر گرفتن منافع ملی خود، برای استقرار ثبات در قفقاز در حوزه های مختلف همکاری می کند و در یک قضاوت منصفانه باید گفت اقدامات ترکیه در منطقه نه به صورت رادیکال که با در نظر گرفتن شرایط واقعی منطقه بوده است. (Norvesti, 2010: 4) در سال های اخیر ترکیه در ایفای یک نقش فعال در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، موفق تر از ایران عمل کرده است. (محمود اوغلی، ۱۳۸۷: ۱۰۹) عملکرد ضعیف جمهوری اسلامی ایران به چند دلیل قابل توجیه است:

الف) دغدغه عمده ایران در سیاست منطقه ای خود بیشتر، ایفای یک نقش فعال در منطقه استراتژیک جنوب ایران یعنی خلیج فارس بوده است؛

ب) با توجه به روابط مسالمت آمیز و نیز وابستگی به تکنولوژی هسته ای روسیه، جمهوری اسلامی ایران ناچار است تا ضمن توجه به منافع اقتصادی و امنیتی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، در اعمال سیاست های خود در این منطقه بسیار محتاطانه عمل کند؛

پ) آمریکا تلاش خود در جهت انزوا و تبعیض نقش ایران در منطقه مزبور و به ویژه در حوزه انرژی به کار بسته است. چنین محدودیت هایی عرصه را برای فعالیت ترکیه که از متحدان ثابت غرب در منطقه است هموار نموده است (قنبرلو، ۱۳۸۶: ۹).

بر خلاف آسیای مرکزی، موارد اختلاف ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی قابل توجه بوده و جمهوری آذربایجان در مرکز ثقل این اختلافات قرار دارد. منابع نفتی قابل توجه این کشور و نیاز آن به توسعه روند دولت- ملت سازی باعث شده است جمهوری آذربایجان با کشاندن قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای به این کشور درصدد حل مشکلات خود برآید که مساله قره باغ و نیز تهدیدات متصور از سوی ایران و روسیه در رأس آنها قرار دارد. ترکیه، آمریکا و اسرائیل سه کشوری هستند که در آذربایجان حضور موثر دارند و این باعث نگرانی جمهوری اسلامی ایران شده است. مقامات ایران معتقدند هدف اصلی از حضور اسرائیل در آذربایجان، دسترسی به مرزهای ایران از طریق این کشور است و اسرائیل با این اقدام در صدد افزایش اقدامات تخریبی خود علیه ایران می باشد. ترکیه هم پل ورود اسرائیل به آذربایجان و آسیای مرکزی می باشد. (مومنی، ۱۳۸۴: ۲۴) علاوه بر این طرح، برخی ایده

های الحاق گرایانه رهبران آذربایجان نسبت به آذربایجان ایران که ریشه در ضعف فرایند دولت-ملت سازی دارد، خشم ایران را برانگیخته است. در این میان روابط بسیار نزدیک ترکیه و آذربایجان و تلقی ترکیه به عنوان برادر بزرگ تر آذربایجان نگرانی های ایران را دو چندان کرده است. در ششم فوریه ۲۰۰۱، مارال آکشنر<sup>۱</sup> وزیر وحدت میان ترکیه و آذربایجان را مطرح کرد. از نظر ایران این اظهارات در مشاوره با ارتش و سازمان امنیت ترکیه<sup>۲</sup> صورت گرفته بود. در همان سال حیدر علی اف<sup>۳</sup> (رئیس جمهور وقت آذربایجان) در سفر خود به ترکیه خواستار برقراری یک مشارکت استراتژیک با ترکیه شد. (Olsan, 2004: 113-115)

به طور کلی، دلایلی چون نزدیکی جغرافیایی نفوذ ترکیه در حوزه قفقاز قوی تر از حوزه آسیای مرکزی است و دوم این که با گذشت زمان از بار ایدئولوژیکی نفوذ ترکیه (خط مشی پان ترکیستی) تدریجاً کاسته شده و روابط ترکیه با کشورهای منطقه بیشتر بر مبنای منافع اقتصادی و استراتژیک تنظیم می گردد. بنابر آنچه گفته شد بستر ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه عمدتاً پس از فروپاشی شوروی و ظهور منطقه جدیدی تحت عنوان آسیای مرکزی و قفقاز تنش زا گردیده است.

## ب. ایران و ترکیه در خاورمیانه

مهم ترین مسائل پیش روی ایران و ترکیه در خاورمیانه عبارتند از:

### (۱) فرآیند صلح اعراب و اسرائیل

نظر به روابط تاریخی ترکیه با اعراب و نیز روابط نزدیک این کشور با اسرائیل، این کشور می کوشد در فرایند صلح میان اعراب و اسرائیل نقش یک تسهیل کننده و حداکثر یک میانجی منطقه ای را ایفاء کند. ایران در سیاست اعلامی خود مخالف روند صلح بوده و آن را طرح صهیونیستی و به ضرر اعراب و فلسطینی ها می داند. با کاهش مخالفت های ایدئولوژیک ایران با تشکیل دولت فلسطینی مستقل از یک طرف و ناتوانی ترکیه در ایفای یک نقش مهم تر و اساسی تر در روند صلح، این موضوع نمی تواند

<sup>1</sup> - Maral IKshnr

<sup>2</sup> - MIT

<sup>3</sup> -Heydar Aliyev



یک عامل جدی تنش‌زا در روابط ایران و ترکیه باشد (قهرمانپور، ۱۳۸۹/۳/۶).

در آینده ترکیه هم چنان تلاش خواهد کرد بدون تحریک کشورهای منطقه، پلی بین اسرائیل و سایر کشورهای اسلامی ایجاد نماید تا کشورهایی که روابط مخفیانه با اسرائیل داشته یا خواهان نزدیکی به این کشور به منظور تقویت قدرت خود در واشنگتن هستند را تسهیل نماید. بعد از پاکستان، سوریه محتمل‌ترین گزینه ترکیه برای میانجیگری میان این کشور و اسرائیل می‌باشد. البته تحقق این امر نیازمند وجود شرایط متعددی است که در حال حاضر تنش در روابط دمشق - واشنگتن مهم‌ترین مانع محسوب می‌شود.

## ۲) همکاری ترکیه و اسرائیل

اتحاد بین ترکیه و اسرائیل در خاورمیانه از پیشرفت‌های قابل توجه در منطقه پس از جنگ سرد است. مردم ترکیه و اسرائیل هویت و تاریخ طولانی مدت و مشترک دارند، که این ریشه‌های تاریخی به قبل از جنگ سرد برمی‌گردد. با توافق استراتژیک ۱۹۹۶، روابط ترکیه - اسرائیل، شکل جدیدی به خود گرفت. پس از آن نیز توافقنامه‌های امنیتی و اقتصادی بین دو کشور منعقد شد. (Salivan, 2008: 11) همکاری‌های ترکیه و اسرائیل در حوزه‌های مختلف و خصوصاً امنیتی در ابتدا همواره مورد تردید ایران و بسیاری از کشورهای منطقه بوده است. از آن جا که همواره بخشی از قرارداد همکاری ترکیه و اسرائیل محرمانه می‌باشد، جمهوری اسلامی ایران معتقد است همکاری ترکیه و اسرائیل در صورت اقدام نظامی ایران و اسرائیل علیه یکدیگر یکی از مفاد این قرارداد است. اجازه دادن ترکیه به اسرائیل برای انجام مانورهای نظامی در مناطق کوهستانی شرق ترکیه در صورت حمله نظامی به ایران در این راستا می‌باشد. از زمان آغاز همکاری استراتژیک ترکیه و اسرائیل، شرایط منطقه تفاوت زیادی نموده و اسرائیل را به این نتیجه رهنمون ساخته است که احتمال همکاری اسرائیل با ترکیه علیه ایران خیلی دور از ذهن است. توجه ویژه اسرائیل به شمال عراق بیانگر این طرز تفکر است. (Kibaroglu, 2005: 248)

انتظار می‌رود با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در سال‌های آینده، همکاری‌های این کشور با اسرائیل عمدتاً در چارچوب اقتصادی، کشاورزی، خرید تسلیحات پیشرفته نظامی باشد و این عامل به عنوان مانع عمده‌ای در راه گسترش روابط با ایران و ترکیه در آینده نباشد. در مورد احتمال مشارکت

ترکیه با اسرائیل در حمله به تاسیسات هسته ای ایران می توان گفت، حضور آمریکا در عراق و شرایط بی ثبات این کشور فرصت مناسبی است تا اسرائیل به جای متقاعد کردن ترکیه، از خاک عراق برای حمله به تاسیسات هسته ای ایران استفاده نماید. به طور مشخص سنی های عراق و کشورهای عربی از این اقدام اسرائیل ناخرسند نخواهد بود و حتی ممکن است در ازای این کار، اقدامات خرابکارانه در عراق از سوی سنی ها کاهش یابد.

حمله اسرائیل به کشتی صلح روابط بین اسرائیل و ترکیه را دچار تشنج کرد در دوم سپتامبر دولت ترکیه رسماً سفیر اسرائیل را اخراج کرد. روابط نظامی به حالت تعلیق درآمد و اردوغان، نخست وزیر ترکیه برای برقراری مناسبات تازه به کشورهای عربی شمال آفریقا که به تازگی انقلاب کرده اند سفر کرده است و قرار است موافقتنامه های نظامی و سیاسی جدیدی را امضاء نمایند. حرکت های ضد اسرائیلی ترکیه در ادامه گزارش سازمان ملل در مورد حمله به کشتی صلح ترکیه به غزه می باشد. در این حمله نیروهای اسرائیلی ۹ نفر از افراد غیر نظامی و غیر مسلح را به قتل رساندند.

در طی این مدت، روابط نظامی بین این دو کشور تضعیف گشته و شرکت های اسرائیلی از لغو قراردادهای امضاء شده بسیار وحشت دارند. در سال های گذشته ترکیه و اسرائیل همکاری های نظامی و تسلیحاتی گسترده ای داشتند اما این مناسبات به تدریج کمرنگ شده اند. هم اکنون آقای اردوغان اعلام کرده است که کشتی های نظامی ترکیه حضور موثرتری در آبهای شرقی مدیترانه خواهند داشت. تنش بین ترکیه و اسرائیل تا حد زیادی به عزم راسخ آقای اردوغان در کاهش نفوذ ارتش در سیاست خارجی ترکیه مربوط می شود. در گذشته ارتش ترکیه با نزدیک شدن به اسرائیل سعی در جلب توجه آمریکا به خود و افزایش قدرت و نفوذ در کشور را داشته است اما با روی کار آمدن حزب اسلامگرای عدالت و توسعه (۲۰۰۲) این روند دچار تغییر شد. سرد شدن رابطه با اسرائیل نیز محصول همین روند است.

### ۳) نگاه به سوریه

رابطه ترکیه با سوریه از این جهت شبیه رابطه با ایران است که سیاست های سوریه نیز در تضاد اساسی با سیاست های ایالات متحده می باشد. سوریه با اتحادیه اروپا نیز روابط ضعیفی دارد. با این وجود، رابطه سوریه و ترکیه از گذشته تاکنون به عنوان روابط خوب بوده است. (Kirisici, 2006: 75)

سوریه در دوران جنگ ایران و عراق و حتی پس از آن، همواره یکی از متحدین راهبردی ایران در جهان عرب بوده است، روابط ترکیه با سوریه می‌تواند روابط ایران را با هر دو کشور تحت تاثیر قرار دهد. ایران و سوریه دشمن مشترکی به نام اسرائیل مواجه اند و اسرائیل از نظر وجود دشمن در سیاست خارجی، هم برای ایران و هم برای سوریه مهم است. از سوی دیگر ترکیه دارای روابط استراتژیک با اسرائیل است. از این رو، روابط اسرائیل- ترکیه می‌تواند روابط ایران- سوریه- ترکیه را هم تحت تاثیر قرار دهد. در حالی که ترکیه در محور غربی، ترکیه- اسرائیل- اردن فعال بود. ایران همراه با سوریه و حزب الله اصلی‌ترین محور ضد غربی را در منطقه تشکیل می‌دهند. این دو محور همواره در چالش با یکدیگر قرار داشته‌اند، اما بعد از حوادث یازدهم سپتامبر و افزایش قابل توجه قدرت محور غربی، سوریه تحت فشار شدید آمریکا و اروپا قرار گرفته و حزب الله در صدد تغییر استراتژی بوده و ایران نیز انرژی خود را به حل بحران هسته‌ای معطوف کرده است. آینده سوریه از این منظر بسیار حایز اهمیت است، چرا که چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست خارجی این کشور مسبوق به سابق می‌باشد. (موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳: ۱۰۷)

سفر بشار اسد<sup>۱</sup> در ژانویه ۲۰۰۵، به ترکیه (که نخستین سفر یک رئیس‌جمهور سوریه به ترکیه از سال ۱۹۴۶ به حساب می‌آید) تعامل با سوریه استحکام بیشتری به خود گرفت، مقامات و رسانه‌های دو کشور این سفر را مهم و تاریخی خوانده‌اند. (Larabee, 2007:109) بنابراین با خروج سوریه از لبنان و آغاز چرخش به سمت غرب، فلسفه وجودی محور ایران- سوریه و حزب الله از بین خواهد رفت و این باعث نزدیکی سوریه به ترکیه خواهد شد. در غیر این صورت با فشار همزمان غرب به ایران و سوریه، سوریه تصمیم بگیرد به جای غرب محور ایران- سوریه- حزب الله را به وجود آورد، نقش سوریه در روابط ایران و ترکیه افزایش خواهد یافت. ولی در زمان حاضر احتمال تحقق این سناریو ضعیف به نظر می‌رسد، ولی نباید آن را به عنوان یک پارامتر نادیده گرفت. در حال حاضر تمایل چندانی به آغاز مذاکرات صلح میان سوریه و اسرائیل ندارد و آن را تضعیف‌کننده موقعیت خود در شامات می‌داند. زیرا با برقراری صلح میان سوریه و اسرائیل، زمینه صلح اسرائیل با سایر کشورهای عربی هم فراهم خواهد

<sup>۱</sup> - Bashar al-Assad

شد و در این صورت اسرائیل نیاز چندانی به ترکیه برای مقابله با اعراب نخواهد داشت. در مورد سوریه به یک باره سیاست ترکیه تغییر پیدا کرد. ترکیه پس از چند هفته که اعتراض ها در سوریه شکل گرفت، مشخص شد که رویکرد جدیدی را نسبت به تحولات منطقه در پیش گرفته و این در حالی بود که سوریه هم همسایه دیوار به دیوار ترکیه است. آنچه بیش از هر چیز دیگری روابط ایران و ترکیه را تحت تاثیر خود قرار داده است، نزدیکی بسیار زیاد ترکیه به آمریکا و اروپا و اتحادیه عرب در خصوص تحولات اخیر سوریه است. در پی ناآرامی های مردمی در سوریه، ترکیه در آغاز کوشید تا دولت سوریه را به اصلاحات ترغیب کند ولی هنگامی که دولت بشار اسد تن به آن نداد ترکیه نیز به همراه آمریکا و اروپا در کنار کشورهای عرب با حمایت از اپوزسیون سوریه و پناه دادن مهاجران سوری وارد فاز براندازی نظام سوریه شد. با این اقدام عملاً ترکیه سیاست ایجاد توازن را که در مورد عراق اعمال می کرد در شرایط جدید خاورمیانه به کنار نهاده است و در پی نقش آفرینی در محور سنی در منطقه در کنار کشورهایی چون عربستان سعودی، قطر، پاکستان، مصر و اردن در منطقه است. (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶)

بنابراین آمریکا، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و ترکیه همگی تصمیم به مطرح کردن موضوع برخورد با سوریه از مجرای سازمان ملل گرفتند که با وتوی روسیه و چین در شورای امنیت به بن بست خوردند. بنابراین تصمیم گرفتند که از طرق دیگری بر سوریه فشار آورند. در گام های بعدی نشست هایی در تونس و استانبول با عنوان «دوستان سوریه» برگزار شد که در نشست استانبول که در سال ۲۰۱۲، و دو هفته پیش از مذاکرات هسته ای ایران و ۱+۵ صورت گرفت، نمایندگان ۸۰ کشور مخالف نظام سوریه از سراسر جهان شرکت داشتند و در آن «شورای ملی مخالفان» سوریه را به رسمیت شناختند. به این ترتیب افزون بر زیر سوال بردن نقش و کارکرد سازمان ملل در مدیریت بحران های بین المللی و خدشه بر مشروعیت آن؛ بر دولت سوریه و متحدین آن و به ویژه ایران فشار زیادی آوردند. همزمان با وقوع ناآرامی های مردمی سوریه، ترکیه دچار واگرایی در نگرش ها و سیاست های دو طرف گردید که با تعمیق هر چه بیشتر بحران بر دامنه آن افزوده شد. ایران در کنار روسیه و چین به حمایت صریح از نظام سوریه پرداخته و آن را به عنوان یکی از مبانی دیپلماسی خاورمیانه ای خود اعلام کرد. بر این اساس در کوتاه مدت و میان مدت تقابل رویکرد و دیدگاه ترکیه و ایران در رویارویی با سوریه ممکن است به بروز تنش هایی بین دو کشور منجر گردد که البته باید حتی الامکان مدیریت شود. (عرب، ۱۳۹۱: ۱۰)

#### ۴) آینده عراق

از دیگر مسائل موجود در روابط ایران و ترکیه در خاورمیانه، آینده عراق است که هر دو کشور خواستار تاثیرگذاری بیشتر بر هیات حاکمه این کشور هستند و ترک‌ها از تاثیر ایران بر جمعیت قابل توجه شیعه در عراق نگران هستند و نمی‌خواهند این کشور بخشی از هلال شیعی در منطقه باشند. باید توجه داشت که توانایی تاثیرگذاری عراق بیشتر در قسمت‌های شمالی عراق می‌باشد چرا که در بغداد باید با حضور موثر و قوی ایران و آمریکا رقابت کند. (Barkey, 2012: 18) ایران و ترکیه در برقراری امنیت در عراق و تشکیل یک حکومت مرکزی مقتدر در عراق کم و بیش منافع همپوشانی دارند، ضمن این که تداوم حضور آمریکا و نیروهای ائتلافی در این کشور نگرانی‌هایی را برای هر دو طرف ایجاد می‌کند. ترکیه نگران استمرار حضور آمریکا در عراق است که منجر به تشکیل یک دولت کردی در شمال این کشور، آن هم با حمایت مخفیانه اسرائیل شود. افزون بر این‌ها، تداوم حضور نظامی آمریکا در عراق و خصوصاً شمال این کشور و احداث پایگاه‌های نظامی، نیاز آمریکا به ترکیه در حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای را کاهش خواهد داد. ایران هم تداوم حضور را مقدمه‌ای برای برخورد نظامی آمریکا با ایران از طریق محاصره این کشور در سطح منطقه‌ای و انزوای آن در سطح بین‌المللی می‌داند و لذا با ادامه حضور نیروهای ائتلافی به رهبری آمریکا در عراق هم می‌تواند ناسیونالیسم کردی را در ایران تقویت کند. با این که ایران و ترکیه در مورد مساله کردها سابقه همکاری طولانی ندارند، ولی احتمال همکاری آنها در حوزه‌های دیگر مسایل عراق چندان زیاد نیست. (دیوانسالار، ۱۳۸۹: ۲) از نظر توازن قوا، هم برای ایران و هم برای ترکیه، بهترین سناریو شکل‌گیری یک دولت قدرتمند مرکزی در عراق است تا بتوانند:

الف) از گسترش قومیت کردی به ایران و ترکیه و قومیت عربی به ایران تا اندازه‌ای جلوگیری کند؛

ب) مانع نفوذ بیش از حد عربستان در عراق شود؛

پ) مانع نفوذ سوریه در عراق و تبدیل شدن این کشور به یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه شود؛

ت) مانع نفوذ اسرائیل در عراق و افزایش تهدیدهای این کشور علیه ایران و حتی ترکیه شود؛

ث) از وابستگی بیش از حد نظام سیاسی آینده عراق به آمریکا جلوگیری کند؛

ج) مانع نفوذ گروه‌های تروریستی گوناگون در عراق و افزایش تهدیدهای آنها علیه ایران و ترکیه شود.

(موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

چ) شرایط عراق به دلیل فعالیت جدایی طلبان شمال عراق موجب همگرایی ایران و ترکیه گشته است. (Mccurdy, 2011: 12) طبیعی است در صورت تقویت تشکیل یک دولت کردی در شمال عراق، زمینه های همکاری ایران و ترکیه به عنوان دو کشور مهم منطقه در عراق افزایش خواهد یافت. در واقع تجزیه یا ایجاد یک حکومت فدرال در عراق که باعث اعطای خود مختاری بیشتر یا نوعی استقلال ناقص به کردهای عراق شود، امنیت ملی ترکیه را در معرض آسیب جدی قرار خواهد داد. جمعیت گسترده کردهای ترکیه می توانند تحت تأثیر این تحولات و با الهام گیری از حکومت کردی، دولت ترکیه را برای اعطای حقوق سیاسی و فرهنگی بیشتر تحت فشار قرار داده و یا در صورت فراهم بودن شرایط، در جهت تحقق آرمان کردستان بزرگ تلاش کنند. در این صورت ترکیه با هزینه های بسیار بالایی امنیتی و سیاسی مواجه خواهد شد و در صورت هرگونه اقدام خصمانه علیه کردهای خود، افکار عمومی جهانیان و به ویژه اتحادیه اروپا را بر خواهد انگیخت و از این مسیر منافع ملی خود را از دست خواهد داد. در این شرایط ترکیه خواهد کوشید تا با بهره گیری از تمام توان دیپلماتیک خود از تجزیه عراق جلوگیری کرده و همچنین در راه استقرار فدرالیسم در عراق کارشکنی نماید.

ایران و ترکیه، هر دو به دلایل متفاوتی، مخالفت نفوذ اسرائیل در عراق هستند. اسرائیل به رغم گسترش همکاری های خود با ترکیه، با سیاست های آنکارا در مورد کرد ها همراه نشده است. ترکیه به شدت نگران حمایت اسرائیل از خود مختاری کرد ها و حضور این کشور در شمال عراق است. حساسیت ایران و ترکیه درباره هرگونه حرکت استقلال طلبانه در کردستان عراق، استراتژیک و عمیق است. به همین دلیل ترکیه و ایران به رغم اختلاف دیدگاهی که درباره برخی مسائل منطقه ای یا در شیوه حکومت داری دارند، اما در زمینه مسائل کردستان اجماع نظر دارند.

ترکیه مانند ایران بر این باور است که برنامه هسته ای ایران باید به شیوه مذاکره و راه حل های دیپلماتیک تا دستیابی به یک راه حل پایدار ادامه یابد و از این رویکرد حمایت می کند. در این راستا ترکیه صراحتاً اعلام کرده است که مخالف تحریم ها علیه ایران است. سیاست مستقل ترکیه در مخالفت با فشارهای غرب به خصوص در مورد تحریم ایران، نقطه عطفی در تقویت روابط ایران و ترکیه است. (Barzegar, 2010) البته ترکیه در روند حمایت از برنامه هسته ای ایران فشارهای زیادی را از سوی

آمریکا متحمل شده است. رویکرد حمایتی ترکیه از برنامه هسته ای ایران برخلاف دیدگاه اسرائیل است که خواهان افزایش تحریم‌ها و حتی اقدام نظامی علیه ایران است. ایران و ترکیه طرفدار خلع سلاح عمومی در منطقه خاورمیانه هستند. ایران خود برای اولین بار ابتکار خلع سلاح عمومی در منطقه را در سال ۱۹۷۴ مطرح کرد. (Johnson, 2007: 28) ترکیه و بسیاری از کشورها در منطقه در تلاش برای استفاده از مدل و الگوی ایران در به کارگیری انرژی صلح آمیز هسته ای هستند و از برنامه صلح آمیز هسته ای ایران حمایت می‌کنند. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، طی یک سخنرانی در دسامبر ۲۰۰۹ در واشنگتن از برنامه هسته ای آزاد در خاورمیانه دفاع و از استانداردهای دوگانه و سکوت غرب در برخورد با مسایل مربوط به گسترش سلاح‌های هسته ای در خاورمیانه انتقاد کرد. یکی دیگر از دلایل ترکیه در حمایت از برنامه صلح آمیز هسته ای ایران، تلاش و تمایل ترکیه برای استفاده از انرژی هسته ای برای توسعه پایدار است. در این خصوص می‌توان به امضای قراردادهای هسته ای ترکیه و روسیه در سال ۲۰۰۴ اشاره و این که ترکیه به طور فعال خواهان گسترش برنامه‌های هسته ای خود است.

بنابراین می‌توان گفت در صورت خروج آمریکا از عراق در سال‌های آینده، اهمیت عراق برای ایران و ترکیه به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش خواهد یافت و حتی ممکن است محور ایران و ترکیه در مقابل عراق شکل بگیرد. بنابراین با توجه به روندهای موجود میان ایران و ترکیه بعید است آینده عراق باعث تنش در روابط دو کشور شود.

### ج. مساله کردها و روابط ایران و ترکیه

بیشتر کردهایی که در ترکیه زندگی می‌کنند، دارای حس قوی تعلق به گروه‌های قومیتی کرد خارج از مرزهای ترکیه دارند. آنها مخصوصاً خود را از ترک‌ها و اقلیت مسیحی در ترکیه جدا می‌دانند و این احساس یگانگی با کردهای خارج از مرز به عنوان تهدید امنیت ملی در این کشور تلقی می‌گردد. (Bruinessen, 2012: 11) تبدیل شدن مساله کردها به یک موضوع عمده، از یک سو معلول ایدئولوژی کمالیسم و از سوی دیگر برآیند حمایت برخی کشورهای همسایه از جدایی طلبان کرد است. اصل تمامیت ارضی باعث شده است نظامیان و کمالیست‌ها احساس کنند ناسیونالیسم کردی می‌تواند اصلی

ترین عامل تجزیه ترکیه باشد و دشمنان ترکیه می توانند از این طریق به این کشور ضربه بزنند. تعریف محدود و توسعه نیافته از مقوله شهروندی در قانون اساسی و تصور کردها به عنوان ترک های کوهستان، باعث شده است تا برخی کمالیست ها در صدد مقابله با فرهنگ و زبان کردی برآیند تا به گمان خویش زمینه های تقویت هویت و امنیت ملی را فراهم کنند.

عمده ترین مساله امنیتی میان دو کشور را می توان در فعالیت های پژاک مورد ملاحظه قرار داد که دو کشور در این مساله با هم همکاری هایی را نیز انجام داده اند. به واقع عدم داشتن پایگاه مشخص اپوزیسیون دو کشور در خاک دیگری سبب ارتقای همکاری های امنیتی دو کشور شده است. همچنین اتفاق نظر دو کشور در مساله اکراد (همراه با سوریه) را نیز می توان در این چارچوب مورد توجه قرار داد (مدنی، ۱۳۸۸: ۳). در گذشته کشورهای منطقه از برگ برنده کردها علیه یکدیگر استفاده می نمودند و آمریکا نیز نسبت به این مساله حساسیت نشان نمی داد ولی در پی حمله آمریکا به عراق و فعال شدن دوباره پ.ک.ک. معادلات گذشته را بر هم زده است باعث ایجاد ناامنی در مرزهای ایران و ترکیه شده است.

یکی از پیامدهای مهم تجاوز ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳، ایجاد زمینه ای مناسب برای اقوام و گروه های مختلف در این کشور بود تا از این فرصت استفاده کرده و هر کدام به نوعی خواست های تاریخی و سیاسی خود را مطرح نمایند. یکی از این گروه ها و شاید مهم ترین آنها، کردهای ساکن شمال عراق هستند که از این فرصت تاریخی بی نظیر به نفع خود استفاده کرده و با تأسیس یک حکومت منطقه ای در مناطق مذکور، تحولات جدیدی را موجب شده اند. طبیعتاً اقدامات و سیاست های این تشکیلات و گروه ها، اثرات غیرقابل انکاری را روی منافع کشورهای همسایه و دیگر گروه های داخل عراق داشته است. از همین رو حداقل در چند سال آینده در رابطه با مساله کردها با یک وضعیت گذار مواجه خواهیم بود که احتمال همکاری ایران و ترکیه و سوریه را در مورد مساله کردها و جلوگیری از تشکیل یک دولت کردی را افزایش می دهد (راهبرد آمریکایی برای کردستان، ۱۳۸۹: ۱). در این وضعیت، موثرترین استراتژی ترکیه برای کاهش تهدیدات ناشی از ناسیونالیسم کردی، بهبود وضعیت رفاهی و اقتصادی کردهای ساکن جنوب شرقی ترکیه از طریق بهبود وضع اقتصادی ترکیه از یک



فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه

طرف، و استفاده از طرح کشت صنعتی پروژه آناتولی جنوبی<sup>۱</sup> و جلب سرمایه‌گذاری‌ها در این منطقه از طرف دیگر است. ایران هم باید با اتخاذ یک استراتژی مناسب جهت برخورد با مساله کردها استفاده کند در غیر این صورت تصمیم آمریکا برای ایجاد یک دولت کردی در شمال عراق پیامدهای امنیتی منفی برای ایران به همراه خواهد داشت. آمریکا در اتخاذ چنین تصمیمی بی‌تردید منافع و دغدغه‌های ترکیه را بیشتر از منافع ایران ملاحظه خواهد کرد. طبیعی است با توجه به شرایط منطقه، ایران نمی‌تواند سکوت پیشه کرده و با این ادعا که کردها اصیل‌ترین ایرانی‌ها هستند، چشم خود را به واقعیت ببندد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

در گذشته بازیگران منطقه‌ای و در رأس آن‌ها ایران و ترکیه، مهم‌ترین تاثیرگذاران بر مساله کردی بودند و در صورت وقوع تنش با بحران مدیریت و همکاری مشترک مانع تشکیل یک دولت کردی و استقلال کردها می‌شدند، اما در سال‌های آینده، متغیر موثر در مساله کردها را باید در سطح فرا منطقه‌ای جست و جو نمود و سیاست منطقه‌ای آمریکا بیشترین تاثیر را بر این مساله خواهد گذاشت. طبعاً آمریکا در اتخاذ چنین تصمیمی در وهله نخست منافع خود، و در وهله بعد منافع متحدان منطقه‌ای خود یعنی اسرائیل و تا حدودی کمتر ترکیه را لحاظ خواهد کرد. سیاست آمریکا به حمایت از تشکیل یک دولت کردی در شمال عراق، با توجه به وضعیت موجود در روابط ایران با آمریکا و اسرائیل، بیشترین زبان را متوجه ایران خواهد کرد و حتی می‌تواند زمینه‌های مشترک همکاری میان ایران و ترکیه در مورد مساله کردها را کاهش دهد.

#### ۴. نقش آفرینی ایران و ترکیه در مسایل دینی

##### الف. عامل اسلام‌گرایی در روابط ایران و ترکیه

ترکیه تنها کشور مسلمانی است که در آن دولت، مذهبی نیست. در حالی که گرایش‌های غیردینی در قانون اساسی این کشور حالت مقدسی یافته است، اما ترکیه امروز بسیار مذهبی‌تر از ترکیه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است. بعد از سال ۱۹۲۳، کمالیست‌ها با این مساله روبرو بودند که به هر حال اسلام جز جدایی‌ناپذیر هویت ترکیه است، در عین حال اولویت اولیه و اساسی برای آنها با ملی‌گرایی است.

<sup>۱</sup> - GAP

(Nasr, 2008: 13-27) در فهم واقعیت اسلام گرایی باید توجه کرد بیشتر برداشت های موجود در مورد اسلام گرایی در میان کمالیست ها، ریشه در نگاه پوزیتیویستی آنها نسبت به مقوله دین دارد. برخی پژوهشگران بر نقش پول اعراب، عده ای بر نقش سیاست های اقتصادی اوزال و تعدادی نیز بر نقش ایران در گسترش اسلام سیاسی در ترکیه اشاره می کنند. اما واقعیت این است که ترکیه در اصل جامعه ای اسلامی است و ریشه دار بودن و قدرت گرفتن اسلام در آن چیز عجیبی نیست (Errdogan, 2012: 27-28)

در دهه ۱۹۹۰ و همزمان با قدرت گرفتن اسلام گرایان در عرصه سیاست داخلی ترکیه، سکولارها و نظامیان برای جلوگیری از افزایش قدرت اسلام گرایان آنها را متهم می کردند که مورد حمایت ایران بوده و نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران می خواهد از این طریق امنیت و تمامیت ارضی ترکیه را تهدید کند. رسانه های وابسته به سکولارها در همان زمان مدام از دست داشتن ایران در حوادث تروریستی و کشتار نویسندگان و قتل روزنامه نگاران سخن می گفتند (قهرمانپور، ۱۳۸۴: ۱۰۹). بعد از حادثه یازدهم سپتامبر اسلام گرایی در شکل رادیکال بروز نمود دیگر این بنیادگرایی شیعی نبود، بلکه بنیادگرایی سلفی به عنوان عامل تهدید معرفی شد. و دیگر پیامد حادثه یازده سپتامبر، تمرکز ترکیه و غرب به جهان عرب و نه ایران به عنوان خاستگاه بنیادگرایی اسلامی بود. وقتی ترک ها دریافتند القاعده همان اندازه با ایران شیعه مخالف است که با ترکیه سنی، رویکرد خود را نسبت به اسلام گرایی از نوع ایرانی را تغییر دادند. قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲) و اتخاذ مواضع پراگماتیک از سوی این حزب نیز در این تغییر رویکرد بی تاثیر نبود.

با مطرح شدن طرح خاورمیانه بزرگ از سوی آمریکا و مدل قرار گرفتن ترکیه در این طرح، کمالیست ها و سکولارها پی بردند که این بار خود آمریکا در صدد ترویج نوعی اسلام گرایی میانه رو در داخل ترکیه است. در چنین شرایطی طبعاً متهم کردن ایران به صدور اسلام گرایی به ترکیه محلی از اعراب نداشت و لذا عامل اسلام گرایی در روابط ایران و ترکیه اهمیت گذشته خود را از دست داد. گر چه تبدیل شدن ترکیه به یک الگوی سازگاری اسلام و دموکراسی در خاورمیانه بزرگ با موانع عدیده ای مواجه می باشد. ولی شواهد گویای آن است که ترکیه درصدد ترویج اسلام گرایی در سطح منطقه است (سیف الدینی، ۱۳۸۷: ۷)، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به سبب فقدان الگوهای حکومت اسلامی

بسیاری از جریان‌های اسلام‌گرا حتی در جهان اهل سنت به ایران تاسی می‌جستند. به این لحاظ نفوذ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان اسلام گسترده شده بود. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۳۹)

در حال حاضر و با شروع انقلاب‌های عربی، ترکیه در پی نقش‌آفرینی در تحولات جهان عرب موسوم به «بهار عربی» بر پایه الگوی دولت «عدالت و توسعه» است. اردوغان که در ترکیه اسلام‌گرا شناخته می‌شود بر الگوی دولت خود به عنوان نمونه‌ای از دولت اسلامی سازگار با مدرنیسم و غرب تأکید می‌کند. دولت اردوغان این الگو را مدلی برای اسلام‌گرایان کشورهای اسلامی که دچار تحولات اخیر جهان عرب شده‌اند ارائه می‌دهد. ترکیه دارای جایگاه ویژه در میان کشورهای اسلامی است که ناشی از به ارث بردن میراث امپراتوری عثمانی بعنوان حافظ جهان اسلام و به ویژه جهان سنی است می‌باشد. هنگامی که دولت رجب طیب اردوغان بر میراث اسلامی ترکیه تأکید می‌کند در اذهان اهل سنت خلافت اسلامی تداعی می‌گردد. با توجه به همین علائق، ترکیه، الگوی دولت اسلامی عدالت و توسعه اردوغان را دارای ظرفیت الگو برداری توسط اسلام‌گرایان کشورهای عربی می‌داند. علاوه بر این غرب به ویژه آمریکا نیز ارائه الگوی ترکیه را که بر تعامل با غرب و بر صلح و رفاه تأکید دارد، نسبت به الگوی حکومت اسلامی ایران، که بر تقابل با مدرنیسم و غرب تأکید دارد و راه جهاد را در پیش گرفته است، ارجح می‌داند و الگوی ترکیه را سازگار تر و بی‌خطر تر نسبت به منافع خود می‌داند.

بنابراین یکی از محل‌های اختلاف ایران با ترکیه که به ویژه با شکل‌گیری تحولات جهان عرب بروز و ظهور بیشتری یافته است همان رقابت دو نظام حکومتی ایران یعنی حکومت اسلامی و نظام حکومتی ترکیه است. نظامی که در آن در عین جدا بودن اسلام از حکومت نسبت به گرایش‌های اسلامی مردم تأکید می‌شود. ولی نظام حکومتی ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه (۲۰۰۲) به رهبری رجب طیب اردوغان و وقوع تحولات جهان عرب در صدد صدور الگوی نظام حکومتی خود به کشورهای اسلامی برآمد و در این جا بود که این دو الگوی کاملاً متفاوت طبعا دچار تزاخم از جانب یکدیگر شدند. ایران و ترکیه با الگوهای ویژه خودشان در پی نفوذ هر چه بیشتر بر منطقه خاورمیانه هستند و با یکدیگر رقابت می‌کنند. لازم به ذکر است که متأسفانه با اعمال تحریم‌های اقتصادی نسبت به ایران اقتصاد ایران دارای وضعیت مناسبی نسبت به ترکیه نیست و همین امر بر قدرت نفوذ الگوی ترکیه می‌افزاید.

با همه نقاط مثبت و فرصت‌هایی که پیروزی اسلام‌گرایان در ترکیه برای ایران به همراه دارد، باید اشاره کرد که نگرانی‌های معقولی نیز در این زمینه برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. اصلی‌ترین نگرانی‌ها تبدیل شدن اسلام‌گرایی ترکیه به الگوی اسلام‌گرایی در جهان اسلام و تبدیل شدن به محور و قبله سیاسی جهان اسلام در بخش اهل تسنن می‌باشد. تحولات جدید ترکیه از این جهت حائز اهمیت است و از آنجایی که اسلام‌گرایی ترکی در برخی جنبه‌ها مورد حمایت آمریکا می‌باشد ممکن است این جریان به الگوی غالب اسلامی تبدیل شود و از اقبال ایران کاسته شود. و علاوه بر آن، آمریکا مروج اسلام‌لیبرالی مورد نظر خود در ترکیه است و درصدد این است که با ترویج این الگو بتواند به اهداف مورد نظر خود در منطقه دست یابد و اسلام‌لیبرالی مورد نظر خود، به عنوان الگوی برتر در جهان اسلام و منطقه تبدیل شود.

## ۵. نقش آفرینی ایران و ترکیه در مسایل اقتصادی

### الف. انرژی و روابط اقتصادی ایران و ترکیه

روابط اقتصادی ایران و ترکیه از پایدارترین نوع روابط میان دو کشور بوده و حتی در اوج اختلافات این دو کشور، دچار آسیب جدی نشده است. هر چند متغیرهای سیاسی بر روابط اقتصادی طرفین تاثیر گذار بوده، اما همواره یک پراگماتیکی مانع از آن بوده است تا روابط تجاری و اقتصادی دو کشور در گرو روابط سیاسی قرار گیرد. از زمان جنگ ایران و عراق تا به امروز روابط اقتصادی ایران و ترکیه همواره در حال افزایش بوده است و به عنوان یک عامل مثبت در روابط دو کشور به شمار می‌رود. در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲، موافقتنامه‌های تجارت پایاپای میان دو کشور به امضاء رسید که طبق آن‌ها ترکیه در قبال دریافت نفت از ایران، کالاهای مورد نیاز ایران را تأمین می‌کرد. دولت تورگوت اوزال<sup>۱</sup> نیز در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ توافقات مشابهی را با ایران به امضاء رساند. در نتیجه این توافقات حجم مبادلات دو کشور در سال ۱۹۸۳ به ۲/۲ میلیارد دلار در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ به ۳/۲ میلیارد دلار افزایش یافت. این ارقام، در مقایسه با رقم ۳۶ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵، برای ترکیه ارقام حیرت‌انگیزی بودند. به علاوه، درآمد ترکیه از بابت ترانزیت کالا به ایران در سال ۱۹۸۵ به ۲۰۰

<sup>۱</sup> - Turgut Özal

میلیون دلار رسید. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷) روابط ایران و ترکیه در سال‌های میانی دهه ۱۹۹۰، به دلیل مشارکت بالقوه‌ی ایران در کنسرسیومی که برای ساخت خط لوله ترکمنستان-ترکیه تشکیل شده بود و از ایران می‌گذشت، بهبود یافت. (Kinnander, 2011: 18)

با انتقال گاز ایران به ترکیه حجم موازنه تجاری بین دو کشور به نفع ایران تغییر کرده است. روابط تجاری ایران و ترکیه که در سال ۲۰۰۱، به رقمی در حدود یک میلیارد و صد میلیون می‌رسید، در سال ۲۰۰۸ به رقمی بالغ بر پنج میلیارد دلار رسید که پیش‌بینی شده در سال ۲۰۱۱ به ۲۰ میلیارد دلار برسد. در بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ حجم موازنه تجاری میان دو کشور همواره در حال افزایش بوده است. (مدنی، ۱۳۸۸: ۳) علاوه بر این، ایران می‌تواند از ترکیه به عنوان یک راه امن برای انتقال گاز به اروپا- که اینک سه کشور روسیه، الجزایر و نروژ انرژی‌اش را تامین می‌کند بهره‌برد، چرا که اروپاییان به شدت به دنبال ایجاد یک آلترناتیو در برابر روسیه هستند. اروپاییان به روس‌ها چندان اعتماد ندارند و روس‌ها نیز نشان داده‌اند که در صورت بروز مشکلات امنیتی به راحتی گاز مصرفی آنها را قطع می‌کنند.

روابط اقتصادی ترکیه و ایران نیز در راستای ایجاد روابط حسنه سیاسی توسعه یافت. بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۸ صادرات ترکیه از ۸۷ میلیون دلار به ۲ میلیارد دلار افزایش یافته؛ در حالی که واردات این کشور از ۹۱ میلیون دلار به ۸/۲ میلیارد دلار، در نتیجه توافق نامه خرید گاز ترکیه از ایران افزایش یافته است. بنابراین حجم تجارت بین دو همسایه در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ میلیارد دلار رسیده؛ البته با کسری تجاری ۶ میلیارد دلار برای ترکیه. (Ulgen, 2011: 3) علاوه بر بهبود روابط تجاری، جمهوری اسلامی تمایل خود را برای باز کردن بازارهای این کشور برای سرمایه‌گذاران ترکیه نشان داده است. همچنین تعداد موافقت‌نامه‌های همکاری امضاء شده بین وزارتخانه‌های انرژی دو کشور ممکن است این امکان را برای شرکت نفت ترکیه در آینده نزدیک فراهم کند که در میدان‌های گازی پارس جنوبی امتیازاتی به دست آورد. یکی دیگر از پارامترهایی که ترکیه را از توسعه اقتصادی با همسایه جنوبی‌اش بهره‌مند می‌کند، گردشگری و توریسم است. ترکیه میزبان بیش از یک میلیون بازدیدکننده از ایران در هر سال است. همچنین ایران مسیر مهم برای حمل و نقل جاده‌ای ترکیه به سمت آسیای مرکزی است. در سال ۲۰۰۷ تعداد ۹۲۰۰۰ دستگاه کامیون از طریق مرزهای مشترک به ایران و فراتر از آن سفر

کرده اند.

به گفته وزارت امور خارجه ترکیه امروز، روابط بین ترکیه و ایران بر اساس اصول بنیادین عدم مداخله در امور داخلی، همسایگی خوب و همکاری اقتصادی و نظامی بنا شده است. در نتیجه دولت ترکیه و افکار عمومی در این کشور، تلقی از ایران به عنوان یک تهدید مستقیم خارجی ندارند. (Ulgen, 2011: 4)

توجه به این نکته ضروری است که در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و افزایش توانمندی اقتصادی این کشور، می تواند تحرک تازه ای در سازمان آکو به وجود آورد و این امر نیز برای ایران حائز اهمیت خواهد بود. از همین رو باید برنامه ریزی اقتصادی ایران می بایست معطوف به این امر باشد که چگونه می توان در شرایط جدید (پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا)، سازمان آکو را فعال تر نموده و موقعیت اقتصادی ایران (تجارت مرزی میان دو کشور) را در منطقه بهبود بخشید. اما این نکته را باید در نظر گرفت که با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، ترکیه ناگزیر به هماهنگی با استانداردهای موجود در اتحادیه خواهد شد و این عامل می تواند باعث ایجاد مشکلاتی برای صادرکنندگان ایرانی فراهم آورد که توجه به این امر و انجام اقدامات لازم ضروری به نظر می رسد.

### نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی فرصت ها و چالش های موجود در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲) پرداختیم. دو کشور ایران و ترکیه به لحاظ عامل جغرافیایی، همسایگی، موقعیت استراتژیکی خاصشان در منطقه، ارتباطات اقتصادی و مشترکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی، قومی، دارای ظرفیت ها و زمینه های مناسب در برقراری مناسبات ویژه می باشند. گذشته از اختلافات و عدم توافق تاریخی دو کشور در مورد اقلیت ها و نوع حکومت ها، در شرایط کنونی با توجه به روی کار آمدن حزب اسلام گرای عدالت و توسعه، شاهد فصل جدیدی از روابط دو کشور هستیم. در برخی زمینه ها مانند حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و مساله اسلام گرایی به دلیل تضاد منافع به عنوان چالش یا رقابت در روابط دو کشور یاد می شود. در حوزه خاورمیانه، انرژی و روابط اقتصادی، مساله اسلام گرایی و مساله کردها به دلیل منافع مشترک، به عنوان فرصتی در روابط دو کشور یاد می شود. به طور خلاصه

می‌توان گفت: از منظر تاریخی؛ ژئوپلیتیک مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده روابط پراگماتیک و نسبتاً با ثبات ایران و ترکیه در چند دهه گذشته بوده است. ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه از معدود کشورهایی هستند که هیچ مشکلی مرزی با یکدیگر ندارند و طی یک صد سال گذشته نیز درگیری نظامی هم با یکدیگر نداشته‌اند. بعید است در سال‌های پیش رو این وضعیت تغییر کند، تحولات منطقه به ویژه آینده عراق و همکاری‌های امنیتی برای تامین امنیت مرزها نیز یکی دیگر از عرصه‌های همکاری تلقی به عنوان متغیری در روابط ایران و ترکیه تأثیرگذار و نزدیکی سیاست خارجی این دو کشور را در پی خواهد داشت، با نزدیک تر شدن ترکیه به اتحادیه اروپا باعث خواهد شد وزن و اهمیت این اتحادیه در روابط ایران و ترکیه نسبت به گذشته افزایش محسوسی داشته است. اما نباید از نظر دور داشت ژئوپلیتیک دو کشور به گونه‌ای است که درجه‌ای از رقابت را بر آنها تحمیل می‌کند، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، قرار گرفتن ترکیه در مسیر ارتباطی ایران با اروپا، موقعیت این کشور در میان کشورها و ساختارهای اروپایی، نوعی تقابل سنتی-تاریخی میان دو کشور ایران و ترکیه در منطقه و مطرح بودن ترکیه به عنوان یکی از همسایگان مهم ایران، به صورت اصولی بررسی سیاست خارجی ترکیه را برای ایران حائز اهمیت می‌نماید. در دوره اخیر فاکتورهایی نظیر بحران خاورمیانه، تحولات آسیای مرکزی و قفقاز، تحولات بالکان و مساله عراق وارد این معادله گردیده است که اهمیت این روابط را برای ایران مضاعف می‌کند.

بنابر دلایل ذکر شده که به نوعی واگرایی را در روابط ایران و ترکیه رقم می‌زند؛ همگرایی عمیق ترکیه و اروپا، اتحاد با آمریکا، استفاده از اهرم اسرائیل برای حل و فصل مسائل امنیتی خود، نفوذ و تاثیرگذاری در کشورهای خاورمیانه، تلاش برای الگو قرارگرفتن در منطقه‌ی خاورمیانه و به مرکز تبدیل شدن در جهان اسلام، رقابت‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز، حمایت از مخالفان سوریه و دخالت در تحولات این کشور، همگی از عواملی هستند که رابطه‌ی حسنه‌ی ایران و ترکیه را به صورت تدریجی به سوی تضاد‌های نسبی پیش خواهد برد. ایران و ترکیه می‌توانند با همکاری‌های استراتژیک در منطقه، منافع خود را به نحو احسن به دست آورند و اگر چنین رقم نخورد، همواره قدرت‌های منطقه‌ای، ریشه‌های نفاق را بین این دو کشور می‌دوانند، همچنان که می‌بینیم با همگرایی عمیق ترکیه و اروپا، مرزهای ایران با ترکیه، در واقع مرز ایران با اتحادیه‌ی اروپا می‌باشد و این امر پیامدهای اقتصادی و

◆ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۲ —————

امنیتی قابل توجهی دارد و اگر اتحادیه اروپا نخواهد ایران را مورد تحریم اقتصادی و فشارهای سیاسی قرار دهد ترکیه نمی‌تواند کاملاً مستقل از اتحادیه اروپا عمل کند.

Archive of SID



فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه

### منابع فارسی

- ابراهیمی، طالب (۱۳۸۹)، «تبیین رابطه ترکیه و آمریکا و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱-۲۰۰۷)»، *پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه اصفهان*.

- ابوالقاسمی، محمد جواد حسین اردوش (۱۳۷۸)، *ترکیه در یک نگاه*، تهران: الهدی.

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰)، «رویکرد ترکیه به تحولات جهان عرب و منافع منطقه ای ایران»، *گزارش راهبردی ۳۸۴*، مرکز تحقیقات استراتژیک.

- اسکندریان، مهدی و قاسم سیماریان (۱۳۸۴)، *آشنایی با کشورهای اسلامی (۳) ترکیه*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ایران معاصر تهران.

- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «روابط ایران و ترکیه: آثار آن بر استراتژی‌های سیاسی- امنیتی اسرائیل»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۴۴، سال یازدهم، ۸/۱۸، در:

<http://fa.merc.ir/archivve>

- پیمان سعدآباد (۱۳۸۶)، *همشهری*، شماره ۱۵، در:

<http://www.fa.wikipedia.org/wiki>

- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵)، *تاثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۸۷)، «بررسی اجمالی روابط ایران و ترکیه در دولت نهم»، در:

<http://www.irna.ir/fa/news/view/menu>

- دیوانسالار، مجید (۱۳۸۹)، «عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه»، در:

<http://www.dr-shafie.ir/post-62.aspx>

- راهبرد آمریکایی برای کردستان (۱۳۸۹)، *باشگاه اندیشه*، در:

<http://www.bashgah.net/pages-16052.html>

- سیف ادینی، سالار (۱۳۸۷)، «طرح خاورمیانه بزرگ و تغییر مرزها»، *ماهنامه طرح نو*، در:

<http://www.seyfodini.blogfa.com/post-37.aspx>

- عرب، علیرضا (۱۳۹۱)، «رابطه با ترکیه قربانی روابط با سوریه نشود، دیپلماسی ایرانی»، در:

<http://www.maghale/kkk/index.html15>

- غفاری، مسعود و شهروز شریعتی (۱۳۸۷)، امکان سنجی گسترش روابط راهبردی ایران و چین از منظر نظریات اتحاد و همگرایی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره اول، بهار.

- فلاح زاده، محمد هادی (۱۳۸۴)، *آشنایی با کشورهای اسلامی (۳) ترکیه*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

- قاسمی، صفت الله (۱۳۸۶)، «پویش اسلام گرایی در ترکیه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی کاربردی آفاق امنیت*، پیش شماره یک.

- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۶)، *بررسی تعاملات امنیتی جمهوری اسلامی ایران با ترکیه در دو دهه اخیر*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۴)، جهت گیری عمده سیاست خارجی ترکیه، تعاملات ایران و ترکیه در آغاز قرن بیست و یکم، *نامه دفاع*، شماره ۴.

- قهرمانپور، عسگر (۱۳۸۹/۳/۶)، «ایران و ترکیه؛ سیاست عملگرایانه در عصر تحول دیپلماسی»،

*همشهری*، در: <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=112423>

- لطفی رضایی، علیرضا (۱۳۷۹)، «دلایل تنش آفرینی ترکیه علیه ایران»، *روزنامه خراسان*، ۳۱ تیر.

- محمود اوغلی، رضا (۱۳۸۷)، «الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه اصفهان*.

- مدنی، مهدی (۱۳۸۸)، «روابط ایران و ترکیه؛ فرصت ها و تهدیدها، منبع»، *تهران امروز*، در:

[http://www.aftab.ir/.../c1c1259750359\\_iran\\_turkey\\_p1.php](http://www.aftab.ir/.../c1c1259750359_iran_turkey_p1.php)

- موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر (۱۳۸۳)، *فرصت ها، تهدیدات و چالش های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱)*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و

تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

- مومنی، میرقاسم (۱۳۸۴)، «جامعه یهودیان آذربایجان و ابعاد روابط دو جانبه آذربایجان و اسرائیل»، در

\_\_\_\_\_ فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه ◇

- کتاب *خاورمیانه (۲)*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران.
- مهری پور، وجیهه (۱۳۸۶)، «ترکیه و تحولات عراق: با تاکید بر مساله کردستان»، *گزارش تحلیلی مرکزهای مجلس شورای اسلامی*.
- نقدی، حسن (۱۳۸۷)، «تعامل و تقابل اسلام‌گرایان و کمالیست‌ها در سیاست خارجی ترکیه (۲۰۰۷-۲۰۰۲)»، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، پژوهش نوزدهم.
- نوروزی، نورمحمد (۱۳۷۸)، «تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال نهم، دوره سوم، شماره ۲۹.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵)، *ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

## English Source

- Berkey, Henry (2012), Turkey and its Relation with Iraq, Special Report, *United States Institute of Peace*, Available at: <http://www.usip.com>
- Bruinessen, Martin Van (2012), The Ethnic Identity of the Kurds in Turkey, available at: [http://www.let.uu.nl/~Martin.vanBruinnesen/Bruinessen\\_Ethnic\\_identity\\_Kurds.pdf](http://www.let.uu.nl/~Martin.vanBruinnesen/Bruinessen_Ethnic_identity_Kurds.pdf)
- Bulent, Aras and Rabia Polat Kaya (2008), "From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relations with Syria and Iran", *Security Dialogue*, Vol. 39, No. 5, pp. 495-515.
- Errdogan, Mustafa (2012), "Islam in Turkish Politics: Turkey's Quest for Democracy without Islam", *Critique*, No. 15.
- Glaser, Charles L. (2010), *Realism: Contemporary Security Studies*, Oxford: Oxford University Press.

- Jervis, Robert (b) (2008), "From Balance to Concert: A Study of International Security Cooperation", *World Politics*, Vol. 38, No. 1. pp. 58-79.
- Kibaroglu, Mustafa (2005), "Turkish Concerns about the State Building Efforts in Iraq", *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XVII, No. 4.
- Kinnander, Elin (2010), "The Turkish-Iranian Gas Relationship: Politically Successful, Commercially Problematic", *Oxford Institute for Energy Studies*, at: <http://www.oxfordenergy.org/pdfs/ng38.pdf>.
- Kirisci, Kamel (2008), "Turkey's Foreign Policy in Turbulent Times", *Institute for Security Studies*, at: <http://www.iss.europe.eu>
- Kirisci, Kemal (2006), *Turkey's Foreign Policy in Turbulent Times*, Paris: Institute for Security Studies.
- Larrabee, F. Stephen (2007), "Turkey Rediscovered the Middle East", *Foreign affairs*, Vol. 86, No. 4.
- Ma'oz, Moshe (2012), "The Arab Spring and the New Geo-Strategic Environment in the Middle East", *Insight Turkey*, Vol. 14. No. 4, pp. 13-14.
- Maccurdy, Daphne (2010), "Turkish-Iranian Relations: When Opposites Attract", *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 7, No. 2, at: <http://www.turkish.tu>
- Mert, Bilgin (2010), "Turkey's Energy Strategy: What Difference Does it Make to Become an Energy Transit Corridor, Hub or Center?", *UNISCI Discussion Papers*, No.23, pp. 126-128, at: <http://www.isn.ethz.ch/isn/Digital-Library>

- Nasr, Vali (2008), "The Rise of Muslim Democracy", *Journal of Democracy*, Vol. 16, No. 2, 2008, pp. 13-27.
- Novosti, Ria (2011), "The South Caucasus And The Russia-Turkey-Iran Geopolitical Triangle", *Eurasia Review*, at: <http://www.eurasiareview.com/201009087872/the-south-caucasus-and-the-russia-turkey-iran-geopolitical-triangle.html>
- Olson, Robert (2004), *Turkey- Iran Relations, 1979- 2004, Revolution, Ideology, War, Coups and Geopolitics*, California: Mazda Publications.
- Omer Goksal, Isyar (2005), "An Analysis of Turkish-American Relations from 1945 to 2004: Initiatives and Reactions in Turkish Foreign Policy", *Turkish Journal of International Relations*, Vol. 4. No.3. p. 42, pp. 21-52.
- Salivan, Martin (2008), "Turkey and Israel's Relationship in the Middle East", *Mediterranean Quarterly*, at: [http://wwwmq.dukejournals.org/cgi/pdf\\_extract/17/4/60](http://wwwmq.dukejournals.org/cgi/pdf_extract/17/4/60)
- Vira, Varun and Erin Fitzgerald (2011), "The United States and Iran: Competition Involving Turkey and the South Caucasus", *Center for Strategic and International Studies*, pp. 2-28, at: <http://www.csis.org/files/publication>
- Walt, Stephen M (1987), *The Origins of Alliance*, NY: Cornel University Press.
- Walt, Stephen M. (2000), "Alliance: Balancing and Bandwagoning", at: <http://www.ou.edu/uschina/texts/WaltAlliances.pdf>
- Weight, Colin (2011), *Agent Structure and International Relations: Politics*

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۲

as *Ontology*, Cambridge: Cambridge University Press.

Archive of SID